

تفسیر قرآن کریم

سوره مبارکه نور

مجتهد الاسلام دکتر ممتعلی المصطفی

تقدیم به محضر کوچک ذری قرآن کریم حضرت فاطمه زهرا (س)

مقدمه :

در اولین و دومین نوشتار پیرامون سوره نور، بخشی از علوم و معارف قرآنی مطرح گردید. در این بخش از تفسیر آیه دوم سوره نور توجه خوانندگان عزیز را به موضوعات ذیل جلب می‌نمایم :

اهداف انبیاء در اجرای احکام دین
فلسفه حرمت (ارتباطات نامشروع)
اجرای حدود ضامن سلامت جامعه

اهداف انبیاء در اجرای احکام دین :

تمام انبیاء الهی از آدم(ع) تا خاتم(ص) پنج هدف مشترک داشته‌اند : «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ
أَخَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» (۱)

اینها یک سخن واحد داشته‌اند. اگر خوب نگاه کنیم می‌بینیم تمام کلیات ادیان الهی در این پنج هدف گنجانده شده این پنج هدف عبارتند از :

پیامبران الهی حافظ (جان و نفوس) انسان‌ها بوده‌اند.
 پیامبران الهی حافظ (عقول) انسان‌ها بوده‌اند.
 پیامبران الهی حافظ (دین و دیانت) انسان‌ها بوده‌اند.
 پیامبران الهی حافظ (اموال و سرمایه) انسان‌ها بوده‌اند.
 پیامبران الهی حافظ (نسب و اعراض اجتماعی) انسان‌ها بوده‌اند.

پیامبران الهی حافظ (جان و نفوس) انسان‌ها بوده‌اند :

در ادیان الهی هر چیزی که تعرض به جان‌ها داشته باشد ممنوع است و با آن مقابله شده است. در تفکر دینی و توحیدی (جان) ودیعه الهی است. اصالت احترام به جان و نفس از اصول کارآمد و پیشتاز تمام تفکرات الهی است.
 خلق همه یکسره نهال خدایند هیچ نه بشکن تو زمین نهال و نه برکن (۲)
 متقین کسانی هستند که «و لا یقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق» (۳)
 اولین احتیاطی که در شرع مقدس اسلام وجود دارد احتیاط در دماء و نفوس است. اصل اول، عدم جواز در قتل است. مگر مورد خاص باشد که مجوز قتل صادر می‌شود. هر چیزی که به جان لطمه می‌زند در تمام ادیان الهی با او مقابله می‌شود.

پیامبران الهی حافظ (عقول) انسان‌ها بوده‌اند :

رشد و تعالی و بارور کردن عقول و اندیشه‌های انسان‌ها از جمله اهداف مهم بعثت انبیاء (ع) بوده است. انبیاء سعی بر آن داشته‌اند که عقل و اندیشه و خرد را در انسان‌ها زنده کنند. چون اگر عقل باشد همه چیز هست. عقل را عقل گویند، چون پای‌بست انسان می‌شود، تا می‌خواهد یک حرکت خلاف انجام دهد عقل دست انسان را می‌گیرد. می‌گوید عاقلانه نیست، از خرده‌مندی به دور است، مردم تو را استهزاء می‌کنند. پس رسالت دوم انبیاء حفظ عقل است و هر آنچه لطمه‌ای به عقل می‌زند در تمام ادیان الهی حرام است، در صدر آنها مسکرات و مشروبات الکلی است. که در تمامی ادیان الهی حرام بوده و در نص صریح تورات، انجیل و سایر کتب آسمانی، حرکت مشروبات و مسکرات، زائل کننده عقل ذکر گردیده است. خمر از ماده خمار می‌آید و خمار چیزی



است که روی سر و پشت سر تا نیم تنه بانوان را می‌گیرد، چون سر را می‌پوشاند، شراب را هم خمر گفته‌اند چون عقل را می‌پوشاند.

انارة العقل مکسوف لطوع الهوا و عقل عاصی الهوا فزداد و تویرا (۴)

علاوه بر مسکرات، مواد مخدر که باعث تضعیف عقل می‌شود

نیز در ادیان الهی حرام شمرده شده است.

پیامبران الهی حافظ (اصالت و کیان فرهنگ دین و دیانت) بوده‌اند :

انبیاء الهی پاسداران سنگر دین هستند، چرا که انسان بدون دین و شریعت نمی‌تواند زندگی کند. بشر بدون راه و راهکار و قانون روشن نمی‌تواند زندگی کند (وَ اَقِم وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا). (۵)

انبیاء حافظ اصالت و کیان دین و راهکارهای دین برای

سعادت‌مندی بشر بوده‌اند و در مقابل هر چیزی که به دین آسیب وارد کند و معارض با قوانین دینی باشد ایستادگی کرده‌اند. از جمله حملات و لطماتی که بر پیکر دین خورده است کفر و شرک و ارتداد است و لذا می‌بینیم که انبیاء الهی کفرستیز، شرک‌ستیز و ارتدادستیز بوده‌اند.

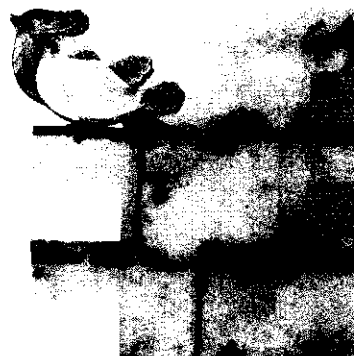
در تمامی ادیان الهی ارتداد جرم است و با مرتد برخورد می‌شود و علتش هم روشن است، چون ضربه‌ای که ارتداد به دین می‌زند شرک و کفر نمی‌زند. یکی از توطئه‌های یهودیان در صدر اسلام این بود که می‌گفتند دسته دسته بیایید مسلمان شوید، اعتقاد به پیامبر بیاورید. یکی دو روز صبر کنید بعد مرتد شوید و بگوئید صد رحمت به یهودیت، ما رقتیم دیدیم چیزی نبود. خبری نبود، برگشتیم. این بیشترین ضربه را به اسلام می‌زند، لذا رسول‌الله با بحث ارتداد محکم برخورد کرده‌اند و تمامی انبیاء در مقابل ارتداد ایستاده‌اند.

پیامبران الهی حافظ (اموال و سرمایه‌ها) بوده‌اند :

در تمام ادیان الهی به سرمایه و مالکیت خصوصی و عمومی بها داده شده است - یعنی چرخه صحیح اقتصاد در جامعه باید برقرار باشد - خداوند در قرآن می‌فرماید :

«و لا تَوْتُوا السُّفْهَاء اموالکم الّتی ...» (۶)

پول و سرمایه را به دست سفیهان ندهید که اینها رشد اقتصادی ندارند.



اموالی که خداوند قرار داده آنها را موجب قیام و دوام جامعه قرار داده است. خداوند در بدن هر انسانی پنج لیتر خون قرار داده است. این پنج لیتر در یک چرخه ۲۴ ساعته می‌شود / ۸۰۰۰ لیتر و این موجب دوام و زندگی ماست. همین نقشی که خون در بدن دارد مال و گردش صحیح اموال در جامعه دارد.

«و الذین یکنزون الذّهب و الفضة» (۷) کسانی که اموال را کنز می‌کنند و از گردش اقتصادی اموال جلوگیری می‌کنند، اینها کسانی هستند که: «فَبَشِّرْهُم بِعَذَابِ الیم» (۸) این چرخه اقتصادی و رونق اقتصاد و رونق اموال و حرمت به اموال از اصول مسلم ادیان الهی است. هر چیز با مالکیت صحیح و نقل و انتقال صحیح اموال معارضه دارد در نزد انبیاء محکوم است.

سرقه، غصب، قمار، ربا، رشوه، محکوم و مردود است. در تمام ادیان الهی با عدم انتقال درست اموال و شیوه‌های غلط اقتصادی مقابله شده است. انبیاء حافظ درست گردش اموال بوده‌اند.

پیامبران حافظ (نسب و اعراض اجتماعی) مردم بوده‌اند :

حفظ نسبت‌ها و آبروهای اجتماعی مردم از اساسی‌ترین اهداف پیامبران الهی بوده است. خیلی از قوانین از جمله قوانین فقهی و اجتماعی در گرو قانون نسبت است. اگر نسبت از جامعه برداشته شود خیلی چیزها برداشته می‌شود. نسبت در جامعه باید پایدار باشد. هر کس باید بداند پسر کیست؟ مادرش کیست؟ برادرش، خواهرش، محارمش چه کسانی هستند. ببینید در اسلام چقدر راجع به نسبت احکام داریم. بزرگترین راه تعدیل سرمایه را خداوند به شکل طبیعی بر اساس همین نسبت قرار داده و آن قانون ارث است. وقتی ثروت می‌رسد به اوج هِرم بعد یک مرتبه با مرگ انسان ساقط می‌شود، می‌آید روی قاعده تقسیم می‌شود و سرمایه تعدیل می‌شود.

از موارد دیگر که موجب حفظ نسبت‌ها می‌شود مقدس داشتن خانواده است. جامعه‌شناسان می‌گویند واحد اولیه جامعه را خانواده تشکیل می‌دهد و چیزی که بنیاد خانواده را زیر سؤال می‌برد و از میان برمی‌دارد روابط جنسی نامشروع و غیرقانونی و غلط است. لذا در تمام ادیان الهی زنا حرام است. مسائل ناپسند جنسی دیگر حرام است. تمام اینها را پیامبران الهی در مقابلش ایستادند، چون می‌دانستند چه بر سر بشر می‌آورد و در جامعه انسانی چه خانمان‌سوزی می‌کند. پیامبران

الهی پاسدار حیثیت خانواده و حفظ نسب و اعراض مردم بوده‌اند.
- تمامی سعادت و کمالات بشری در تحقق این پنج هدف بزرگ است. که رسولان و سفیران الهی حافظ و پاسدار آن بوده‌اند.

فلسفه حرمت (ارتباطات نامشروع):

خداوند تبارک و تعالی در سوره نور به اهداف انبیاء و مقاصد آنها اشاره دارد. اولین مقصد که در آغاز سوره نور آمده آیه دوم سوره نور است.

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِى دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ». (۹)

این آیه اشاره به مقابله با چیزی را دارد که لطمه و صدمه جبران‌ناپذیری به خانواده می‌زند، اینجا یک نکته لطیفی وجود دارد و آن این است که در بحث «زنا» اول «الزَّانِيَةُ» آمده، ولی در بحث سرقت اول «السَّارِق» آمده و این نکته اشاره بر این دارد که انحراف اخلاقی از زن شروع می‌شود و در انحرافات جنسی و اخلاقی زنان پیشگام هستند و از نظر قرآن مردان در سرقت و تجاوز و چپاول پیشگام هستند، پس معلوم می‌شود عظمت و نقش زنان در امنیت اخلاقی و فکری و سلامت خانواده جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. لذا کسانی که می‌خواهند در برابر اهداف انبیاء بایستند و جامعه بشری را از بین ببرند سعی کرده‌اند نقش مثبت زنان را از آنان بگیرند و با انحراف آنها امنیت جوامع را به خطر بیندازند.

در سال ۱۹۹۹ میلادی درآمد شبکه اینترنت بالغ بر (۴۷۰) میلیارد دلار بوده که (۶۰٪) از این درآمد ناشی از نقل و انتقال فیلم‌ها، گفت و شنودها و ارتباطات نامشروع جنسی و خلاف اخلاق بوده، پس این مسأله حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد. اگر اسلام به حجاب، به عفت، به حیا به منع گفتگوی با نامحرم دستور داده برای جلوگیری از آلودگی زنان و حفظ نقش و عظمت آنها در سلامت و امنیت جامعه و رشد آن بوده است. (۱۰)

بررسی آیه:

کلمات «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي» (۱۱) از ریشه زَنَى می‌باشد دارالزَّانِيَةُ یعنی خانه تنگ چون عمل زنا در محدودیت و فشار و ترس انجام می‌گیرد به نحوی که هرگز سازگاری با

فطرت انسان ندارد. این عملی است که با محدودیت روحی و روانی انسان برگزیده می‌گردد. بر خلاف ازدواج که «التسکنوا الیها» (۱۲) که با آرامش و سکونت زوجین همراه است.

«فاجلدوا» (۱۳) حال می‌رسیم به حد زنا، این آیه از آیات ناسخ در قرآن کریم است. چون حد زنا در اسلام ابتداء بر اساس آیه پانزده سوره نساء بود، که اگر زنی چنین کاری انجام داد، او را در خانه حبس کنید «فامسکوهنَّ فی البیوت» (۱۴) این مجازات اول بود، بعد گفتند اینها را از صف جامعه بیرون بکشید از جامعه حذف کنید؛ بعد ادامه آیه آمد که باید اینها در حبس ابد بمانند، یا آنکه خداوند برای آنها راهی پیش‌بینی کند. وقتی آیه دوم سوره نور نازل شد، فرمود: «ایها الناس» آن راهی که خداوند وعده آن را داد همین حکم جدید است. یعنی زن و مرد زناکار را جلد کنید. ضربه بزنید. هر کدام را صد تازیانه بزنید.

- در کلمه فاجلدوا (صیغه امر جمع مخاطب) دو بحث وجود دارد. یکی بحث در ماده و دیگری در هیأت آن. فاجلدوا از جلد می‌آید. جلد از ماده جلد به معنی پوست است. وقتی کسی ضربه‌ای پشتش می‌خورد عرب می‌گوید: «ضَرْبَةً عَلٰی ظَهْرِهِ» بنابراین «جَلْدَةٌ» یعنی «ضَرْبَةٌ عَلٰی جِلْدِهِ» یعنی این ضربه باید بر پوست بخورد و کسی نمی‌تواند لباس یا پوستینی بپوشد بعد ضربه بخورد و البته ضربه هم باید بر پوست تأثیر کند و نباید در استخوان اثر بگذارد.

نکته دوم که از «فاجلدوا» به دست می‌آید، نوع ابزار و آلتی است که برای ضربه زدن استفاده می‌شود که بایستی آنهم از جلد «پوست»

باشد.

اما از حیث هیأت «فاجلدوا» صیغه جمع است و خداوند همه را مورد خطاب قرار داده، آیا واقعاً وظیفه همه است؟ یا عده‌ای خاص باید این کار را انجام دهند؟

مسئلاً خطاب اول «فاجلدوا» شخص نبی اکرم (ص) و حضرات معصومین (ع) در زمان حیاتشان می‌باشند، اینها به اینکه «اللَّهِ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَّ عَلٰی مَنْ تَجَاوَزَ مِنْ الْحَدِّ حَدًّا» (۱۵) آگاهند. اینها مجریان حدود الهی و حدود شریعت هستند، پس مخاطبان این آیه پیامبر و ائمه معصومین (ع) می‌باشند، اما تکلیف در عصر غیبت چیست؟

اجرای حدود ضامن سلامت اجتماع :

بعضی گفته‌اند حدود، در عصر غیبت تعطیل است، اما مرحوم محقق در شرایع و بسیاری از فقهای دیگر این حرف را رد کرده‌اند و گفته‌اند: (آیا فلسفه حدود در اسلام به غیبت و حضور بستگی دارد؟ ما به چه دلیل یا ملاکی می‌توانیم حدود را حذف کنیم، در حالی که مردم گناه می‌کنند؟

پاسخ این است که در عصر غیبت حدود باید باشد، چون گناه وجود دارد و اجرای حدود ضامن سلامت جامعه می‌باشد. اما مجری این حد در عصر غیبت کیست؟ می‌گوئیم آن کسی که بیشترین آگاهی را نسبت به حدود الهی و عالی‌ترین ضمانت اجرایی در عدالت او وجود دارد. که به اعتقاد ما کسی جز فقیه مبسوط‌الید و آن کسی که از ناحیه او منسوب می‌شود، کس دیگری نیست. پس در عصر غیبت اجرای حد از وظائف و شؤونات ولی فقیه است.

«فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلدة» (۱۶) هر کدام از این دو را (زن و مرد را) صد تازیانه بزنید. خوب کمیت مشخص شد، به دنبال آن فرمود: «ولا تأخذکم بهما رأفة فی دین الله» (۱۷) مبادا شما نسبت به مجرم و گناهکار رأفت و رقتی نشان دهید. بایستی در اجرای حدود خدا و معیارهای دین الهی قاطع و استوار باشید.

- یکی از آفات اجرای حدود این است که امکان دارد در



هنگام اجرای حدود در مردم رحم و رأفتی پیدا شود و زمانی دم از این بزنند که در اجرای حد خشونت وجود دارد. خداوند بعد از دستور حد، این دستور را می‌دهد که مبادا شما را رأفت بگیرید. در قرآن یک کلمه «رأفت» داریم و یک کلمه «رحمت» که از صفات

خداوند تبارک و تعالی است. «رأفت» یعنی (الرحمة الشدیده) هنگامی که «رحمت» به اوج می‌رسد، می‌شود

«رأفت». پس اینجا تأکید بر «رأفت» دارد چون رقت بیشتری در

رأفت وجود دارد. ممکن است عواطف و احساسات تحریک شود. مثلاً وقتی می‌خواهند برای خانمی اجرای حد کنند، بگویند: او ضعیف است، شکننده است، اعصابش ضعیف است. تحمل تازیانه را ندارد، او از خانواده محترمی است، پدرش

آبرو دارد. این مسائل است که می‌خواهد آفت حکم خدا و اجرای آن شود. لذا سریع خداوند جلوی آن را گرفته.

کلمه «اخذ» یعنی «گرفتن» این کلمه در جایی بکار می‌رود که شدت و حدت و قوت بر یک کار، مد نظر باشد.

خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» (۱۸) مبادا شما را رأفتی در اجرای حدود دین الهی بگیرد.

انشاءالله ادامه این بحث را در شماره بعدی پیگیری نمائید.

مصادر و منابع :

- ۱- قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۵
- ۲- دیوان ناصر خسرو
- ۳- قرآن کریم
- ۴- صمدیه
- ۵- قرآن کریم، سوره روم آیه ۳۰
- ۶- قرآن کریم
- ۷- قرآن کریم
- ۸- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲
- ۹- شیخ طوسی می‌نویسد: خداوند تعالی در این آیه امر فرموده است که بساید زانی و زانیه را به شرط آنکه محصن [متأهل و دارای صفات دیگر] نباشند به هر یک صد تازیانه بزنند.
- ۱۰- به نقل از.....
- ۱۱- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲
- ۱۲- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲
- ۱۳- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲
- ۱۴- قرآن کریم
- ۱۵- حدیث
- ۱۶- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲
- ۱۷- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲
- ۱۸- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲